

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۰ و ۲۱، زمستان ۹۳ و بهار ۱۳۹۴، ویژه فلسفه و کلام

بررسی جایگاه حزم‌گرایی دینی با تأکید بر دیدگاه مفسران

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۷ تاریخ تأیید: ۹۴/۷/۱۲

محمدجواد اصغری*

چکیده

یکی از موضوعاتی که متون دینی به آن اشاره دارند، حزم‌گرایی دینی است. احتیاط و حزم‌گرایی در دین به دو صورت اعتقادی و رفتاری قابل تصور است. در این پژوهش سعی نموده‌ایم تا جایگاه حزم‌گرایی اعتقادی را به تفصیل از متون دینی بر اساس تفاسیری که مفسران از بعضی از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان کرده‌اند، تبیین نماییم. البته از آنجا که در فضای شکاکیت جهان غرب نیز پاسگال سعی کرده است تا با تقریر استدلالی که به برهان شرط‌بندی شهرت یافته است، ایمان را در انسان غربی زنده کند و او را از سقوط در ورطه شکاکیت و تردید حفظ نماید، تا حدودی این تقریر را با آنچه در متون دینی تحت عنوان حزم‌گرایی اعتقادی آمده است، مقایسه نموده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: حزم‌گرایی دینی، احتیاط، برهان شرط‌بندی، پاسگال

* عضو هیأت علمی معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی

مقدمه

سابقه تلاش فکری بشر برای اثبات وجود خداوند و شناخت او بس دیرینه بوده و یکی از دغدغه‌های اساسی انسان و یکی از موضوعات مهم ادیان محسوب می‌شده است. برخی از اندیشمندان وجود خداوند را بی نیاز از دلیل می‌دانند که از جمله قائلین به این نظریه در میان اندیشمندان اسلامی می‌توان به علامه طباطبایی رحمته‌الله و در میان اندیشمندان غربی به الوین پلانتینگا اشاره نمود. علامه طباطبایی رحمته‌الله در حاشیه خود بر اسفار می‌فرماید: «اصل وجود واجب بالذات برای انسان بدیهی است و دلایلی که بر اثبات آن آورده می‌شود در واقع همه تنبیهات هستند» (الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، ج ۴، ص ۱۵) الوین پلانتینگا نیز معتقد است برای اثبات خدا نیازی به استدلال و برهان نیست. زیرا که گزاره «خدا وجود دارد» از باورهای پایه محسوب می‌شود که بین بوده و نیازی به اثبات ندارند. (ایمان و عقلانیت، بخش چهارم) در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان وجود خداوند را بدیهی ندانسته و براهین متعددی را با تقریرهای مختلف برای اثبات وجود خداوند بیان کرده‌اند که از جمله این براهین می‌توان به برهان نظم و برهان امکان و وجوب اشاره کرد که در سنت دینی ما نیز مفصلاً مورد تبیین و بررسی قرار گرفته‌اند و یا به براهین جدیدی همچون برهان تجربه دینی، برهان اخلاقی، برهان معجزه و... اشاره کرد که بر اثبات وجود خداوند اقامه شده‌اند.

در مقابل این براهین که در صدد اثبات وجود خداوند می‌باشند، تلاش‌هایی نیز در ردّ این براهین و یا نشان دادن کارآمد نبودن آنها صورت گرفته است. برخی از ملحدین تلاش کرده‌اند تا با اقامه براهینی همچون برهان شر و برهان اختفاء الهی اثبات کنند که خدایی وجود ندارد.

به عنوان نمونه دیوید هیوم مدعی است وجود شر در جهان نشان می‌دهد که خدای خیرخواه مطلق و قادر مطلق وجود ندارد (Evil Makes a Strong Case Against God's existence, p235). برخی از ملحدین نیز تلاش کرده‌اند تا نشان دهند که براهین اقامه شده بر اثبات وجود خداوند توان اثبات وجود خداوند را ندارد.

سویین برن - فیلسوف انگلیسی معاصر - در این خصوص می‌گوید: «دلیل اصلی که ملحدین برای باور بر عدم وجود خداوند دارند، این ادعاست که شاهد کافی در اختیار نداریم که براهین انسان خدا‌باور، وجود خداوند را به نحو قابل قبولی، محتمل سازد» (The Existence of God, P 2). همچنین در جهان غرب از قرن نوزدهم با تحت تاثیر قرار گرفتن الهیات فلسفی از جانب شکاکیتی که کانت و هیوم ایجاد کردند، اصولی ابداع شد تا نشان دهد عقل هرگز نمی‌تواند به نتایج موجهی فراتر از تجربه مستقیم خصوصاً درباره وجود خداوند دست یابد. در این فضا حتی بعضی از فیلسوفان خدا‌باور غربی نیز که مدافع براهین اثبات خداوند بوده و عقل را نیز قادر بر اثبات وجود خداوند می‌دانند، به این ایده متمایل شدند که اثبات وجود خداوند به صورت یقینی امکان پذیر نبوده و براهین دالّ بر اثبات وجود خدا، تنها می‌توانند وجود خداوند را محتمل سازند. سویین برن که خود چنین ایده‌ای را ترویج می‌دهد، می‌گوید: «اگر چه عقل می‌تواند به نتیجه‌ای نسبتاً موجه پیرامون وجود خداوند دست یابد، اما من استدلال خواهم کرد که تنها می‌تواند به یک نتیجه محتمل برسد، نه یک نتیجه غیر قابل تردید» (Ibid, P9). این گروه از فلاسفه قائل‌اند براهین اثبات وجود خداوند در مجموع همگی با یکدیگر و نه هر یک به تنهایی، در مقابل براهنی دالّ بر عدم وجود خداوند، وجود خدا را نسبت به عدم محتمل می‌سازند.

پاسگال فیلسوف مشهور فرانسوی استدلالی را که به برهان شرط‌بندی معروف است بیان می‌کند که در فضای شکاکیت غرب سعی می‌کند حالت خدا‌باوری و ایمان را در وجود انسان غربی حفظ نماید. در متون دینی ما نیز موضوع حزم‌گرایی اعتقادی نسبت به کسانی که نسبت به افرادی که به هر دلیلی براهین اثبات وجود خداوند آنها را قانع نساخته است، پیشنهاد شده

است. برای روشن شدن موضوع ابتدا به حزم‌گرایی دینی پرداخته و جایگاه و انواع آن را براساس متون دینی توضیح خواهیم داد.

۱- حزم‌گرایی دینی و انواع آن

حزم‌گرایی در دین که غالباً از آن به احتیاط در دین یاد می‌شود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به نصوص دینی می‌توان حزم‌گرایی در دین را به دو گونه تقسیم نمود: حزم‌گرایی اعتقادی، حزم‌گرایی رفتاری. از آنجا که برهان شرط‌بندی پاسگال که در ادامه به تقریر آن اشاره خواهیم کرد، با گونه اول یعنی حزم‌گرایی اعتقادی قابل تطبیق است، در این پژوهش ابتدا سعی می‌کنیم تا با توضیح مختصری درباره حزم‌گرایی رفتاری، بر حزم‌گرایی اعتقادی متمرکز شویم.

۱-۱- حزم‌گرایی رفتاری

حزم‌گرایی رفتاری یا حزم‌گرایی در مقام فعل و عمل، امری است که در زندگی انسان‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. انسان‌ها در زندگی عادی و روزمره خود، رفتار موافق احتیاط را (خصوصاً در شرایطی که فعل خلاف احتیاط، ممکن است ضرری بزرگتر را در پی داشته باشد) توصیه کرده و مقبول و حَسَن می‌شمرند و صاحب چنین رفتاری را عاقل می‌دانند و از رفتار خلاف احتیاط، یکدیگر را پرهیز می‌دهند. در دین نیز به احتیاط در مقام عمل یا احتیاط عملی توجه فراوانی شده و در علم اصول الفقه نیز جوانب و زوایای مختلف این موضوع به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. در علم اصول الفقه از اصل احتیاط (یا اشتغال) به عنوان یکی از اصول عملیه بحث می‌شود. اصول عملیه عبارتند از اصول و قواعدی که مجتهد پس از فحص و یأس از دست‌یابی به دلیل اجتهادی معتبر، به دلیل و اصولی منتهی می‌شود که حکم عقل یا عمومیت ادله نقلی بر آن دلالت دارد (کفایه الأُصول، مقصد هفتم) اصولیون استدلال می‌کنند که اصل احتیاط، اصلی است که مطلقاً از حسن عقلی برخوردار است و این امر مشروط به چیزی نیست،

مگر اینکه در موردی رعایت احتیاط موجب اختلال در نظام اجتماعی شود که در این صورت عقل به نفعی حسن آن حکم می‌کند. همچنین در حسن احتیاط، تفاوتی میان معاملات و عبادات نیست، هر چند احتیاط، سبب تکرار عمل در عبادات باشد: «أما الاحتیاط: فلا یعتبر فی حسنه شیء أصلاً، بل یحسن علی حال، إلا إذا کان موجبا لاختلال النظام و لاختلاف فیہ بین المعاملات و العبادات مطلقاً ولو کان موجبا للتکرار فیها» (کفایه الأصول، خاتمه مقصد هفتم).

۲-۱- حزم‌گرایی اعتقادی

حزم‌گرایی اعتقادی عبارت از رعایت احتیاط در مقام باور و اعتقاد است. به عبارتی منظور آن است که انسان در باور به وجود یا عدم یک چیز (و یا حقانیت و عدم حقانیت آن) جانب احتیاط را گرفته و آن باوری را اخذ کند که به احتیاط عقلی نزدیک بوده و موافق آن می‌باشد. در این قسمت پژوهش با توضیح مختصری از حزم‌گرایی اعتقادی و اشاره به تفاوت آن با قاعده دفع ضرر محتمل، آن را از دیدگاه قرآن و روایات به تفصیل بررسی می‌کنیم و بعد از آن این مفهوم دینی را با آنچه پاسگال تحت عنوان برهان شرط‌بندی بیان نموده است، مقایسه می‌نماییم.

۲- تفاوت حزم‌گرایی اعتقادی با قاعده دفع ضرر محتمل

حزم‌گرایی اعتقادی یک قاعده عقلی بوده و از حسن عقلی برخوردار است. چرا که عقل انسانی همیشه وی را به جلب منفعت و دفع ضرر دعوت می‌کند، هر چند آن نفع و ضرر احتمالی باشند. مگر آنکه انسان در جلب آن منفعت احتمالی یا دفع ضرر احتمالی مواجه با ضرری بزرگتر گردد. لکن باید دانست که حزم‌گرایی اعتقادی با قاعده‌ای که به «قاعده دفع ضرر محتمل» شهرت یافته است، متفاوت است. قاعده دفع ضرر محتمل غیر از حزم‌گرایی اعتقادی بوده و یک قاعده عقلی است که در مقام دعوت انسان به تفحص و دنباله‌روی از عقل و دلیل است. این قاعده با حزم‌گرایی اعتقادی یک تفاوت اساسی دارد و آن اینکه حزم‌گرایی

اعتقادی رتبتاً بعد از آن است که انسان از ادله عقلی تفحص کرده است ولی به هر دلیل آن ادله وی را قانع نساخته است. در حالی که قاعده دفع ضرر محتمل قاعده است که انسان را به تفحص و جستجو از دلیل و برهان صحیح دعوت می‌کند. بر همین اساس از این قاعده در کتب کلامی در بحث ضرورت معرفت و شناخت خداوند استفاده می‌شود.

۳- بررسی دیدگاه مفسران

در قرآن کریم آنچه اصالتاً مورد نظر است، آن است که پذیرش یک اعتقاد باید بر اساس برهان و استدلال باشد. در آیات متعددی از قرآن کریم به این مطلب تصریح شده است. قرآن کریم عقایدی را که بر مبنایی غیر از عقل سلیم همچون تقلید کورکورانه (بقره، ۱۷۰) و یا هوای نفس (فرقان، ۴۴) مورد پذیرش قرار گرفته‌اند را مورد مذمت قرار می‌دهد. بر این اساس حزم‌گرایی اعتقادی از دیدگاه قرآن حسن ثانویه و بالتبع دارد نه حسن اولیه و بالذات. توضیح آنکه حزم‌گرایی اعتقادی نسبت به شکاکیت و تردید دارای حسن عقلی است و صرفاً بخاطر نگهداری بشر از سقوط در ورطه کفر و الحاد توصیه شده است و به همین دلیل تنها نسبت به افرادی پیشنهاد می‌شود که به هر دلیلی براهین اثبات وجود خداوند آنها را قانع نساخته است و لذا قرآن کریم ابتدائاً انسان‌ها را به تبعیت از برهان و استدلال دعوت می‌نماید. در ذیل به یکی از این آیات اشاره می‌نماییم:

آیه هشتاد و یک سوره انعام: «وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

مفاد آیه مزبور بیان احتجاج حضرت ابراهیم علیه السلام با مشرکین می‌باشد. تبیین این احتجاج از چند آیه قبل، آغاز می‌گردد و حاصل آن این است که حضرت به مشرکین می‌فرماید: بین گفتار شما و کردارتان تناقض است. زیرا شما به من دستور می‌دهید از چیزهایی بترسم که ترس از آنها لازم نیست در حالی که خودتان از کسی که باید از او بترسید، نمی‌ترسید. اما اینکه من نباید از

آنچه شما می‌گویید بترسم، برای اینکه شما هیچ دلیلی بر استقلال بت‌ها و ارباب انواع در نفع و ضرر ندارید تا به موجب آن ترس بر من واجب باشد. اما اینکه شما از کسی که باید بترسید نمی‌ترسید به دلیل آن است که با اینکه می‌دانید زمام امور تنها به دست خدای سبحان است، از پیش خود و بدون هیچ برهان آسمانی و قابل اعتماد برای خداوند شرکایی اثبات کرده‌اید. و اگر او بعضی از مخلوقات خود را شریک خود قرار داده بود و پرستش آنها را بر ما واجب کرده بود، می‌بایست خودش این معنا را بیان نموده و بیانش توأم با علائم و معجزاتی باشد، و معلوم است که چنین بیانی یا به وسیله وحی انجام می‌شود و یا به وسیله برهانی که متکی بر آثار خارجی باشد، و شما نه آن وحی را دارید و نه چنین برهانی را (المیزان، ج ۷، ص ۲۷۷).

مفسرین در ذیل آیه شریفه تصریح کرده‌اند که از این آیه استفاده می‌شود که عقاید دینی باید بر اساس دلیل و برهان باشد. چرا که در آیه واژه «سلطان» بکار رفته است که این واژه به معنای دلیل و حجت و برهان است (روض الجنان و روح الجنان، ج ۷، ص ۳۶۰؛ تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۰۰). نکته مزبور مفاد آیه شریفه را از حزم‌گرایی اعتقادی دور می‌سازد، زیرا مطابق با آیه شریفه هر اعتقادی نسبت به خداوند باید بر اساس دلیل و برهان باشد. همانطور که گفتیم حزم‌گرایی اعتقادی در جایی پیشنهاد می‌شود که ادله عقلی بر وجود خداوند شخص را به هر دلیلی قانع نمی‌سازد. در این صورت آنچه نبود یا کمبود ادله (بر وجود خداوند) را جبران می‌کند، صلاح اندیشی بر اساس احتیاط عقلی است. بنابراین آنچه در قرآن ابتدائاً اصالت دارد پیروی از یک اعتقاد بر مبنای دلیل و استدلال معتبر است. اما با این حال حزم‌گرایی اعتقادی در قرآن به کلی نفی نشده است که از جمله آن آیه ذیل است:

آیه پنجاه و دو سوره فصلت: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ اضَلَّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ».

مفاد آیه شریفه آن است که خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید که به کافران بگو اگر قرآن از نزد خداوند آمده باشد، و آن را انکار کرده باشید، چه کسی گمراه‌تر از آن کس خواهد بود که به مخالفتی دور و دراز دچار شده باشد.

در بیان مفسرین دو نوع برداشت از آیه شریفه وجود دارد که طبق برداشت اول مفاد آیه شریفه به حزم‌گرایی دینی از گونه اعتقادی اشاره دارد. ولی طبق برداشت دوم آیه شریفه نمی‌تواند به موضوع مزبور دلالتی داشته باشد. ابتدا به این دو برداشت اشاره می‌نماییم:

برداشت بعضی مفسرین از آیه شریفه آن است که آیه مزبور یکی از روش‌های استدلال‌های جدلی را با کفار به پیامبر ﷺ آموخته است که آن را طریقت احتیاط نام نهاده اند:

«و این طریقتی است از طریقت‌های جدل که آن را طریقت احتیاط گویند. خدای تعالی مناظره پیاموخت رسولش را بر این طریقت، گفت: بگوی ای محمد این کافران را که اگر این قرآن از قبل خدای است و حق است، آنکه شما به او کافر شوی در جهان، از شما گمراه‌تر که باشد» (روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۷، ص ۹۰).

صاحب تفسیر «من هدی القرآن» در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید خداوند به طرق متعددی انسان‌ها را هدایت و راهنمایی می‌نماید. طریق اول استفاده از براهینی است که بر آیات خلقت و آیات نفس دلالت دارد که به صورت متعدد در قرآن کریم از این طریق برای هدایت انسان‌ها استفاده شده است. اما طریق دوم، طریق اخذ احتیاط است. توضیح آن که انسان ذاتاً به دنبال امنیت و آسایش است و لذا زمانی که از جانب انبیاء مورد انذار قرار می‌گیرد، اگر موانعی مانند کبر، غرور و خواهش‌های نفسانی نبود، باید جانب احتیاط را گرفته و احتمال امکان تحقق این انذار را نزد خود بدهد. سپس در توضیح آیه از این تعبیر استفاده می‌نمایند:

«أی لو کان القرآن حقاً ثم کفرتم به، و لم تقوموا بالاحتیاط الکافی لأنفسکم، فإنکم

سوف تصبحون فی ضلال بعید عن جادۃ الحق» (من هدی القرآن، ج ۱۲، ص ۲۶۰).

مفسر مزبور تأکید می‌کند که استفاده از این طریق برای هدایت انسان‌ها، یک طریق عقلی است. چرا که عقل انسانی حتی به صرف وجود یک احتمال نیز به اخذ احتیاط حکم می‌کند: «ثم إنَّ عقل الإنسان يهديه بضروره أخذ الحيطه حتى بمجرد افتراض صحه ما يقوله الرسل» (همان، ج ۱۲، ص: ۲۶۱).

اما برداشت بعضی از مفسرین از آیه شریفه این است که این آیه اشاره به «قاعده دفع ضرر محتمل» دارد. همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم قاعده دفع ضرر محتمل غیر از حزم‌گرایی اعتقادی است. طبق این برداشت آیه شریفه در مقام توییح کفار از این حیث است که بدون تفکر و بدون هیچ دلیل عقلی حقانیت قرآن و آیات الهی را انکار نموده‌اند: «ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ غَيْرِ نْظَرٍ وَ اتِّبَاعٍ دَلِيلٍ» (تفسیر صافی ج ۴، ص ۳۶۴؛ کنز الدقائق، ج ۱۱ ص ۴۶۷).

علامه طباطبایی در این خصوص می‌فرماید: «قرآن شما را به سوی خدا می‌خواند و به بانک بلند اعلام می‌دارد که از ناحیه خداست، پس حداقل، احتمال این را بدهید که در ادعای خود راست می‌گوید، چون همین که این احتمال عقلایی را بدهید، کافی است که به حکم عقل نظر کردن در امر آن برایتان واجب شود، زیرا عقل دفع ضرر احتمالی را هم واجب می‌داند، و چه ضرری خطرناک‌تر از هلاکتی ابدی که این قرآن شما را از آن هشدار می‌دهد؟ پس به حکم عقل دیگر معنا ندارد که به کلی از آن اعراض کنید (المیزان، ج ۱۷، ص ۶۱۲).

فخر رازی نیز ابتدا اشاره می‌کند که علم به باطل بودن قرآن که کفار مدعی آن هستند یک علم بدیهی نیست، همان‌طور که علم به عدم حقانیت توحید و ارسال رسل نیز یک علم بدیهی نیست. بلکه اگر کسی مدعی این علوم بود، باید بر صحت این علوم اقامه دلیل نماید. بنابراین تا وقتی دلیلی بر صحت این علوم بیان نشده، با توجه به اینکه این علوم بدیهی نیستند، هم احتمال حقانیت قرآن و توحید و ارسال رسل، احتمالی صحیح است و هم احتمال عدم حقانیت آنها. و اگر احتمال حقانیت این امور درست باشد کفار در ضلالتی عمیق خواهند

بود. بنابراین لازم است که کفار در این خصوص به دنبال دلیل و برهان باشند و قبل از وجود دلیل، انکار کفار خلاف عقل خواهد بود (مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۵۷۴).

صاحب تفسیر مراغی و تفسیرالتحریر و التنویر نیز بیانی مشابه با آنچه فخر رازی بیان کرده‌اند را اشاره می‌کنند که در ذیل قسمتی از آن را ذکر کرده‌ایم: «و قد كانوا كلما سمعوا القرآن أعرضوا عنه و بالغوا في النفرة منه، حتى قالوا: قلوبنا في أكنة مما تدعونا إليه و في آذاننا وقر، فلفت أنظارهم إلى أنه يجب عليهم النظر و التأمل فيه، فإن دل الدليل على صحته قبلوه، و إن أُرشد إلى فساده تركوه، أما قبل ذلك فالإصرار على الإعراض و الإنكار بعيدان عو الصواب و عما يحكم به العقل. فما أضلكم و أكثر عنادكم و مشاقتكم للحق و اتباعكم للهوى» (تفسیر المراغی، ج ۲۵، ص ۱۰؛ التحریر و التنویر، ج ۲۵، ص: ۹۰).

همان‌طور که بیان کردیم طبق برداشت دوم که آیه بر قاعده عقلی «وجوب دفع ضرر محتمل» اشاره دارد و کفار را به تحقیق و تامل می‌خواند، مراد آیه دعوت به حزم‌گرایی اعتقادی نیست. زیرا مفاد حزم‌گرایی اعتقادی جستجوی علمی برای دریافت حقیقت نیست، بلکه رویکردی عملی به سلوک مومنانه است.

بر اساس روایات نیز آنچه اولاً و بالذات مدّ نظر است هدایت انسان بر مبنای عقل سلیم است. از دیدگاه روایات، عقل انسانی برای شناخت خداوند کفایت می‌کند و انسان با بکارگیری صحیح و استفاده روشمند از عقل در شک و تردید باقی نمی‌ماند:

«فبالعقل عرف العباد خالقهم و انهم مخلوقون و انه المدبر لهم و انهم المدبرون و انه الباقي و هم الفانون و استدلوا بعقولهم على ما ورأوا من خلقه من سمائه و ارضه و شمسه و قمره و ليله و نهاره، انّ له و لهم خالقا و مدبرا لم يزل و لا يزول و عرفوا به الحسن من القبيح و ان الظلمه في الجهل و ان النور في العلم فهذا ما دلهم عليه العقل» (کافی، ج ۱، کتاب عقل و جهل، حدیث ۳۵).

بنابراین از دیدگاه روایات نیز آنچه ابتدائاً اصالت دارد، پیروی از یک اعتقاد بر مبنای عقل است. اما با این حال حزم‌گرایی اعتقادی در روایات نیز به کلی نفی نشده است. در ذیل به چندی از روایاتی که به حزم‌گرایی اعتقادی توصیه دارند، اشاره می‌نماییم:

امام صادق علیه السلام خطاب به ابن ابی العوجاء که اعمال حج را نوعی دیوانگی می‌دانست، فرمودند:

«إِنَّ يَكُنِ الْأَمْرُ عَلَى مَا يَقُولُ هَوْلًا وَهُوَ عَلَى مَا يَقُولُونَ - يَعْنِي أَهْلَ الطَّوَافِ - فَقَدْ سَلِمُوا وَ عَطِيتُمْ وَ إِنَّ يَكُنِ الْأَمْرُ عَلَى مَا تَقُولُونَ وَ لَيْسَ كَمَا تَقُولُونَ فَقَدْ اسْتَوَيْتُمْ وَ هُمْ» (کافی، ج ۱، ص ۷۵ و ص ۱۸۱ و توحید صدوق ص ۱۲۶).

امام رضا علیه السلام به یک زندیق فرمودند:

«إِذَا الرَّجُلُ أَرَادَ أَنْ يَكُنِ الْقَوْلُ قَوْلَكُمْ وَ لَيْسَ هُوَ كَمَا تَقُولُونَ، أَلْسَنَا وَ إِيَّاكُمْ شَرَعًا سَوَاءً، لَا يَضُرُّنَا مَا صَلَّيْنَا وَ صُمْنَا وَ زَكَيْنَا وَ أَقْرَبْنَا وَ إِنْ كَانَ الْقَوْلُ قَوْلُنَا وَ هُوَ قَوْلُنَا أَلَسْتُمْ قَدْ هَلَكْتُمْ وَ نَجُونَا» (کافی، ج ۱، ص ۷۸).

در کتاب کیمیای سعادت آمده است که «حضرت علی علیه السلام زمانی که با ملحدی مناظره می‌کردند، فرمودند: اگر چنان است که تو می‌گویی، هم تو رستی و هم ما و اگر چنان است که ما می‌گوییم ما رستیم و تو افتادی و در عذاب ابدی بماندی» (کیمیای سعادت، فصل ۱۵، ص ۱۱۵).

آنچه در درجه اول از این روایات استفاده می‌شود، حزم‌گرایی و احتیاط اعتقادی است. زیرا اولاً در روایت اول چنین آمده است که: «إِنَّ يَكُنِ الْأَمْرُ» و ظاهر این عبارت آن است که منظور از امر، آن چیزی است که انسان‌ها بدان اعتقاد دارند. خواه اعتقاد به آن درست باشد یا غلط. چون در ادامه این واژه (امر) آمده است اگر «امر» آن‌گونه باشد که اهل طواف بدان قائل هستند. ثانیاً امام این جملات را خطاب به ابن ابی العوجاء فرمودند که فردی ملحد بود. (اگر امر آن‌گونه است که شما قائل هستید) این قرائن نشان می‌دهد که آنچه در روایت مزبور مورد نظر است رعایت احتیاط در مقام اعتقاد است.

در روایت دوم نیز واژه «قول» استفاده شده است که منظور آن چیزی است که انسان در مقام اعتقاد بدان قائل است. بنابراین می‌توان گفت که آنچه در روایات فوق مدنظر معصوم بوده است، در درجه اول احتیاط در مقام اعتقاد است که البته پیروی از فرامین دینی را در پی خواهد داشت و به همین دلیل نیز بعضی از اندیشمندان روایات فوق را بر برهان شرطبندی پاسگال تطبیق نموده‌اند.

پاسگال فیلسوف مشهور فرانسوی استدلالی را که به برهان شرطبندی معروف است، بیان می‌کند که در فضای شکاکیت غرب سعی می‌کند حالت خداباوری و ایمان را در وجود انسان غربی حفظ نماید. در ادامه با اشاره مختصری به تقریر پاسگال آن را با آنچه حزم‌گرایی دینی از گونه اعتقادی نامیدیم، مقایسه می‌کنیم.

اشاره‌ای به برهان شرطبندی پاسگال

پاسگال فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی است که این برهان را در کتابی تحت عنوان اندیشه‌ها تبیین نموده است. سخنان پاسگال را می‌توان در نکات ذیل بیان کرد:

۱- ما چون متناهی هستیم از هستی و چیستی موجودات متناهی آگاهییم. اما درباره خداوند نمی‌توان به هستی یا چیستی او راه یافت، مگر از راه ایمان و عنایت الهی همان‌طور که مسیحیان این‌گونه به خداوند راه می‌یابند. «اگر خدایی وجود داشته باشد، بی‌نهایت دور از درک ماست، بنابراین ما از درک چیستی یا هستی او ناتوانیم...» (Pensees, p 149).

۲- برای فهمیدن وجود داشتن یا نداشتن خداوند راهی جز گزینش و شرطبندی نیست و عاقلانه این است که ارزش گزینه‌ها را بسنجیم و نافع‌ترین را انتخاب کنیم. «وجود یا عدم خدا؟ گرایش ما باید به کدام سوی باشد؟ عقل ما در اینجا نمی‌تواند تصمیم بگیرد. چون عقل نمی‌تواند ثابت کند که کدام گزینه نادرست است. ولی باید شرطبندی کنید. زیرا شما باید انتخاب کنید» (Ibid, p 151).

۳- اگر بخواهیم با احتیاط گام برداریم باید احتمال وجود خداوند را بپذیریم. زیرا اگر در این شرط‌بندی ببریم، همه چیز را برده‌ایم و اگر ببازیم هیچ چیز را از دست نداده‌ایم. چرا که در صورت برد، به یک زندگی دائمی می‌رسیم و در صورت باخت لذت‌های زودگذر را از دست داده‌ایم. «بگذارید سود و زیان شرط‌بندی بر سر وجود خدا را مورد ارزیابی قرار دهیم. اگر بردید همه چیز را برده‌اید و اگر باختید هیچ چیز از دست نداده‌اید. پس بدون تردید شرط ببندید که خداوند وجود دارد» (Ibid, p 152).

۴- فاصله بین سودی که در این شرط‌بندی به دست می‌آوریم، با سودی که از دست می‌دهیم، بی‌نهایت است. زیرا اولاً به لذت‌هایی بالاتر دست یافته‌ایم و ثانیاً حتی در این دنیا نیز صرفه با خداواری است. چرا که در همین دنیا انسان‌ها در اثر ایمان به نیک‌کرداری و فروتنی دست می‌یابند.

۵- در این شرط‌بندی احتمال برد و یا باخت مساوی است. درست مانند سکه‌ای که به هوا پرتاب می‌کنیم و معلوم نیست کدام طرف به زمین می‌رسد. با این حال حتی در صورت قوی بودن احتمال باخت (عدم وجود خدا) در این بازی تا وقتی که احتمال برد (وجود خدا) به صفر نرسد، می‌توان از این برهان دفاع نمود.

نکاتی پیرامون برهان پاسگال

برهان پاسگال بر مبانی عمل‌گرایانه و احتیاط‌اندیشانه مبتنی است، و لذا برهانی سودمحور محسوب می‌شود نه صدق‌محور. یعنی در این برهان از موضع ایمان‌گرایانه، بر معقولیت باورهای دینی از جمله باور به وجود خدا و زندگی پس از مرگ استدلال شده است (بررسی انتقادی استدلال شرط‌بندی پاسگال در اثبات وجود خداوند، ص ۴۶ و ۴۷).

برهان پاسگال نه برای اثبات وجود خداست و نه برای اثبات حقانیت مسیحیت، بلکه تنها برای نشان دادن معقولیت گرایش به دین و عدم معقولیت الحاد است. از این رو مخاطب این برهان نیز کسانی‌اند که گرفتار شکاکیت هستند. یعنی نه براهین اثبات وجود خدا آنها را قانع کرده است و نه دلیلی برای انکار دارند. پاسگال به چنین افرادی که در تحیر و شک هستند و به لحاظ عقلی هیچ یک از دو طرف برایشان ثابت نشده است، نشان می‌دهد که گرایش به دین، معقول است (خسروپناه، فلسفه غرب، ج ۲، ص ۶۲).

در اینکه آیا بیان پاسگال برهان است یا جدل، اختلاف نظر وجود دارد. اما به نظر می‌رسد باید گفت این بیان همان‌طور که گذشت، در صدد تبیین این نکته است که گرایش به دین بر الحاد ترجیح دارد. لذا این بیان نسبت به این مدعا برهان است. اما نسبت به اثبات خدا و حقانیت مسیحیت برهان نیست (همان، ج ۲، ص ۶۳).

حزم‌گرایی اعتقادی و برهان پاسگال

با توجه به تبیینی که از حزم‌گرایی اعتقادی ارائه دادیم و تقریری که از برهان شرط‌بندی پاسگال از نظر گذرانیم، به نظر می‌رسد تفاوت‌هایی بین آنچه پاسگال تقریر نموده و هدف او بوده است و آنچه متون دینی به آن دعوت نموده‌اند، وجود داشته باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌نماییم:

اولاً: همان‌طور که گفتیم آنچه اصالتاً متون دینی انسان‌ها را به آن دعوت کرده‌اند، پذیرش اعتقاد بر اساس عقل و استدلال و برهان است و مساله حزم‌گرایی اعتقادی امری ثانوی و صرفاً بخاطر نگهداری بشر از سقوط در ورطه کفر و الحاد است. این بدان معناست که دین مساله وجود خداوند را عقلاً امری اثبات‌پذیر دانسته و براهین اثبات وجود خداوند را نیز در این خصوص فی‌الجمله کارآمد می‌داند. به نحوی که اگر عقل بشری در این خصوص به

درستی به کار گرفته شود و به صورت روش‌مند در براهین و ادله اثبات وجود خدا تامل شود، انسان از شکاکیت و تردید مصون می‌ماند. برهان پاسگال نیز از این نظر که هدفش حفظ انسان غربی از سقوط در ورطه شکاکیت است، شبیه حزم‌گرایی اعتقادی است. اما باید دانست که در فضای شکاکیت غربی همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره نمودیم عدم کارآمدی براهین اثبات وجود خدا با توجه به آنچه کانت و هیوم ادعا کردند، پذیرفته شده بود. آنها توان اثباتی عقل را برای اثبات وجود خداوند، مخدوش کرده بودند و تلاش عقل را برای این هدف تلاشی لغو و بیهوده تلقی می‌کردند.

ثانیا: حزم‌گرایی اعتقادی که در متون دینی بیان شده است، دارای لوازمی است. یعنی انسان با پذیرش حزم‌گرایی اعتقادی ملزم به رعایت فرامین دینی است. انسان نمی‌تواند حزم‌گرایی اعتقادی را بپذیرد ولی به فرامین دینی بی‌اعتنا و بی‌توجه باشد. لذا در عمل انسان حزم‌گرا با انسان حزم‌گرا که از روی ایمان و یقین کامل خدا را می‌پرستد، تفاوتی وجود ندارد. هر چند منشا اعتقادات آنها متفاوت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حزم‌گرایی اعتقادی به معنای رعایت احتیاط در مقام باور و اعتقاد فی نفسه مطلوب دین نیست. بلکه دین تلاش می‌کند که انسان‌ها و پیروان خویش را اصالتاً و بر مبنای عقل و تدبیر به تبعیت از دین و دستورات دینی دعوت نماید. اما در جایی که به هر دلیلی ادله دینی برای مخاطب دین مورد پذیرش قرار نگرفت، چنین شخصی از طرف دین صرفاً بخاطر نگهداری بشر از سقوط در ورطه کفر و الحاد به حزم‌گرایی اعتقادی دعوت می‌شود. در این صورت انسان با پذیرش حزم‌گرایی اعتقادی ملزم به رعایت فرامین دینی است.

فهرست منابع

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، «التحریر و التنبیر».
۲. پلانتینگا، الوین، «ایمان و عقلانیت»، ترجمه بهناز صفری، قم، اشراق، ۱۳۸۱ش.
۳. الرازی، فخر الدین، «مفاتیح الغیب»، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۴. الرازی، ابوالفتوح حسین بن علی «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۵. الشیرازی، محمد بن ابراهیم (صدرالمتألهین)، «الحکمه المتعالیه فی الأسفار الاربعه العقلیه»، قم، مصطفوی، بی تا.
۶. خسروپناه، عبدالحسین، «تاریخ فلسفه غرب»، موسسه امام صادق علیه السلام.
۷. فیض کاشانی، ملامحسن، «تفسیر صافی»، دار المرتضی، مشهد.
۸. قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، «کنز الدقائق و بحر الغرائب»، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۰. غزالی، محمد بن محمد، «کیمیای سعادت»، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، «اصول کافی»، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۲. الطباطبایی، محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۳ق.
۱۳. مدرسی، سید محمد تقی، «من هدی القرآن»، دارالمحبی الحسین، تهران، ۱۴۱۹ق.
۱۴. مراغی، احمد بن مصطفی، «تفسیر المراغی»، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

مقالات

۱۵. خسروی فارسانی، عباس و اکبری، رضا، «بررسی انتقادی استدلال شرطبندی پاسگال در اثبات وجود خداوند»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال دوازدهم، شماره سوم.
۱۶. یوسفیان، حسین، «برهان شرطبندی»، نقد و نظر، سال هشتم، شماره اول و دوم.

منابع لاتین

17. Hume, David, "Evil Makes a Strong Case Against God's Existence" in Philosophy of Religion, Ed: Michael Peterson, Oxford University Press, 1996
18. Pascal, Blaise, "Pensees", tr. Wf. Trotter, introduction by T.S. Eliot, New York, Dover, 2003
19. Swinburn, Richard, "The Existence Of God", University Press, 2004